

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۲۵ جولای ۲۰۱۴

کارگران و سایر زحمتکشان افغانستان متحد شوید!

شرکت های مخابراتی مربوط بورژوازی بزرگ و خصوصی بالاخص شرکت سرمایه داری «اتصالات»، کارمندان و کارگزارانش را بعد از استثمار شدید، اخراج کرده و اخراج می کنند. ضمن تقبیح قاطعانه این عمل ضد مردمی، از کارگران و زحمتکشان کشور می خواهیم تا به غرض به خاک مالیدن پوزه این زالو های نوکر امپریالیزم صفوف شان را متحد نمایند.

امپریالیزم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه داری در شرایط و اوضاع کنونی جهان، قادر گردیده است تا فاصله زمانی بحران های اقتصادی را حاد تر و زیاد تر ساخته و به جای صدور کالا به صدور سرمایه رو آورده است. در این مرحله، بورژوازی کمپرادور یا بورژوازی دلال، رشد قابل ملاحظه ای نموده و توانسته است که نقش میانجی و واسطه قوی را بین کشورهای سرمایه داری و کشورهای نیمه سرمایه داری یا نیمه فئودالی به خوبی بازی نماید. بعد از تجاوز امپریالیست ها بر حریم میهن شیران و عقابان، امپریالیسم جز فلاکت، ویرانی، کشتن، فقر و گرسنگی دیگر ارمغانی برای مردم در بند و اسیر افغانستان نیاورده است. دولت وابسته به امپریالیسم جهانی افغانستان، به تاسی از موادی از «قانون اساسی» و پیروی از اقتصاد بازار، بالاخص (مدل امریکا)، اقتصاد بازار را جانشین «اقتصاد پلان مرکزی» کور کورانه و ابلهانه ای که توسط «حزب دموکراتیک خلق افغانستان» طرح شده بود، نموده و فاصله طبقاتی را آن چنان بالا برد که تاریخ کشور نظیرش را هرگز به یاد ندارد. طبقه ای که از استثمار کارگران و زحمتکشان و خوردن خون مردم تغذیه می شد، پولدار تر و طبقات کارگر، زحمتکش و محروم جامعه، فقیر تر و اکنون در بدترین شرایط اقتصادی و اجتماعی زندگی می کنند.

اقتصاد بازار در افغانستان، توانسته که کمتر از ۴-۳ درصد مردم را به سرمایه های کلان و زندگی های فرعونیه برساند، و اما زندگی بیشتر از ۹۶ درصد مردم ستمدیده افغانستان را نزدیک به خط فقر و یا در زیر خط فقر تقرب داده است. با گذشت بیشتر از دو دهه از حاکمیت غدارانه اقتصاد بازار در افغانستان، نه تنها فاصله طبقاتی به حد اعظمی اش ارتقاء نموده است بل هر روز بالا تر می رود، هم اکنون اقتصاد کشور اشغال شده و عقب نگهداشته شده ای مان به یک اقتصاد مصرفی و مافیائی مبدل گشته است.

با تجاوز بیشتر از ۴۳ کشور امپریالیستی و ارتجاعی و سرازیری بیشتر از ۵۵ میلیارد دالر؛ افغانستان ماتم زده و در خون نشسته هنوز هم یکی از فقیرترین کشورهای جهان محسوب می شود. افغانستان از زمان حکومت شاه

امان الله، حکومت طلائی ها، جلوس زنازادگان خلقی و پرچمی بر اریکه قدرت سیاسی و حاکمیت دهاره های جهادی و طالبی و از ۱۳ سال قبل به این طرف، نظام های اقتصادی مختلف و مختلط، آزاد و به اصطلاح پلان مرکزی را تجربه نموده است و اما مردم درد دیده و ستمکش ما از نظام اقتصاد بازار زیاد تر صدمه خورده اند و فقر مدهش و فلاکت و بد بختی های زیادی را تجربه کرده اند که در هیچ نوع نظام اقتصادی دیگری در کشور تجربه نکرده اند و چنین خوار و زار ، پریشان و هردم شهید نبودند.

در شرایط کنونی اقتصاد کشور در دست بورژوازی کمپرادور دولتی و شرکت های سرمایه داری خصوصی و آزاد در تبانی و همکاری مشترک با مافیای داخلی و مافیای بین المللی است. شرکت های خصوصی بزرگ سرمایه داری دست به استثمار شدید زحمتکشان و کارگران زده و از زور بازو، عرق جبین و آبله کف دست آنان استفاده های ابزاری نموده و میلیون ها دالر به جیب زده اند و به عکس در زندگی کارگران و زحمتکشان هیچ گونه تغییر مثبت رونما نگشته و تنها به خاطر امرار معاش و شکم سیر نمودن خود و فامیل های شان ، نیروی کار شان را ارزان فروخته و می فروشند. این تیپ کارگران و زحمتکشان در شرایط حاضر، نان آوران خانه های شان می باشند؛ زیرا از برکت تجاوز امپریالیسم نصف نفوس کشور در زیر خط فقر زیست دارند، بیشتر از ۱۵ میلیون افغان کارگر و زحمتکش بیکار می باشند و آنان که هم گویا کار دارند، به شکل وحشیانه ای استثمار می شوند و هر لحظه بیم آن می رود که از کار اخراج گردند، زیرا دارای اتحادیه های صنفی نمی باشند و هیچ گونه ضمانت و بیمه ای ندارند تا کار شان را تضمین کند و یا در صورت اخراج و یا زخمی و معلول شدن، از آن مستقید گردند.

شرکت خصوصی و سرمایه داری «اتصالات»، وابسته به بورژوازی کلان، در این اواخر دست به اخراج کارگران و کارمندی زده است که از رنجیده ترین اقشار و لایه های اجتماعی بوده که صد ها فامیل، از حاصل مزد کار شان نان می خوردند. اخراج ستمگرانه، ظالمانه ، خاینانه و بدون دلایل موجه و عقلانی کارگران و کارمندان فقیر، توسط شرکت میلیاردر دالری و مافیائی «اتصالات»، مظالم و ددمنشی های سیاست های امپریالیستی و اقتصاد بازار را بیشتر از پیش افشاء می سازد و مردم به این درجه از آگاهی می رسند تا درک نمایند که اقتصاد بازار، یعنی بهره کشی انسان از انسان و کثیف ترین شکل استثمار و برده داری مدرن در قرن حاضر می باشد.

شرکت های استثمار گر خصوصی و دولتی باید بدانند که با اخراج غیر قانونی و غیر انسانی کارگران و زحمتکشان، به صف فقراء افزایش می یابد و این گرسنگان و ستمکشان جامعه اند که روزی گلو های کثیف شان را می فشارند و آخرین نبض و ضربان قلب های شان را خاموش می سازند. شرکت «اتصالات»، بدون تأمل و تأخیر باید تا زمان دو باره کار پیدا نمودن کارگران و زحمتکشان اخراج شده، معاش مکمل آنان را بدون قید و شرط بپردازد و کوچکترین غفلت در تأخیر آن، جنایتی است علیه کارگران مظلوم و ستمکش آن.

کارگران و زحمتکشان باید بدانند که دیگر هیچ بدیلی برای تغییر دادن بنیادی و دگرگونی جامعه طبقاتی ندارند ، به جز این که صفوف شان را به دور یک سازمان انقلابی و منضبط متحد گردانند و شورش کنند زیرا بدون انقلاب کردن گلیم استثمار و ستم طبقاتی بر چیده نمی شود و در زندگی آنان کوچکترین تغییری که نشانه ای از رفاه و سعادت در آن دیده شود، پدیدار نمی گردد. کارگران و زحمتکشان باید بدانند که بدون به پاخاستن و سرنگونی قهری نظام وابسته به امپریالیسم هیچ گاهی و به هیچ وجه حقوق حقه انسانی شان تأمین و تضمین نمی گردد. تنها سوسیالیسم و گذار از آن به کمونیسم، می تواند که حقوق حقه انسانی شان را ضمانت کند و به آدمیت شان ارج نهد. جامعه اشتراکی جامعه است که دو مرحله، یعنی سوسیالیسم و کمونیسم را طی کند، در نظام سوسیالیستی سیستم

اقتصادی توسط دیکتاتوری پرولتاریا اداره می شود که این نوع سیستم اقتصادی تحت عنوان «اقتصاد پلان مرکزی» یاد می شود. دولت پرولتاریا با طرح برنامه های تولیدی و با مصادره نمودن صنایع سنگین و سرمایه های بورژوازی بزرگ و بورژوازی کمپرادور، تولید را دقیقاً و مطابق به برنامه طرح شده به پیش برده و از بروز بحران های اقتصادی جلوگیری می کند و کوشش می کند تا فاصله طبقاتی را هر روز کمتر نماید و به فقر و تهی دستی پایان بخشد. باید خاطر نشان ساخت که در جامعه سوسیالیستی طبقات استثمارگر و استثمار انسان تا اندازه وجود می داشته باشد. چون سوسیالیسم مرحله گذار است و در این دوران طبقات استثمار کننده مثل بورژوازی کمپرادور در جد وجد می باشند تا از طرق گوناگون، قدرت از دست رفته شان را دوباره تأمین و به دست آورند و کارگران و زحمتکشان را باز هم استثمار نمایند. در مرحله نخستین ایجاد جامعه سوسیالیستی در وهله جد وجد علاوه بر حاکمیت «اقتصاد پلان مرکزی»، نشانه هایی از «اقتصاد مختلط» نیز دیده می شود که به صورت تدریجی از فعالیت های آن کاسته می شود و بی ارزش می گردد.

در جامعه کمونیستی فاصله طبقاتی به صفر تقرب می کند، یعنی طبقات منحل می گردد و دولت که آلت سرکوب یک طبقه توسط طبقه دیگر می باشد و همیشه به نفع طبقات حاکم و ستمگر جامعه فعالیت می نماید، در مرحله کمونیسم از بین رفته و علاوه بر اقتصاد، تمامی بخش های جامعه توسط عموم مردم رهبری و کنترل می گردد. بناءً منافع کارگران و اکثریت جامعه افغانستان که عموماً زحمتکشان را تشکیل می دهد، تنها و تنها در جامعه سوسیالیستی و کمونیستی تأمین و تضمین می گردد، جامعه ای که دیگر از استثمار و بهره کشی انسان از انسان در آن خبری نیست و به انسان بخاطر آدمیت و کرامتش ارج نهاده می شود و همه انسان ها دسته جمعی من حیث یک فامیل بزرگ به صلح و آرامش زیست می کنند. پس کارگران و زحمتکشان جامعه دیگر زیر بار خواست های استثمارگرانه بورژوازی کمپرادور و بورژوازی های بزرگ و خصوصی نروند و برای دفاع از حقوق انسانی شان به پا خیزند و متحد گردند.